



University of Tehran Press

Comparative Law Review

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-3404

Volume: 16, Issue: 1
Spring & Summer
2025

Identifying effective factors in determining the scope of the tortfeasor's liability A comparative study of Iran, England and Principles of European Tort Law

Reza Daryaei[✉] 

1. Department of Law, University of Guilan, Rasht, Iran. Email: reza.daryaie@guilan.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Received: 2024/07/06 Received in revised form: 2024/10/15 Accepted: 2024/10/24 Published online: 2025/06/22 Keywords: <i>The scope of the liability, Tortfeasor, Tort law, Iran, England, Principles of European Tort Law.</i>	With the realization of the harmful act, the loss and the relationship of causation, civil liability is realized. Regardless of identifying the types of damage and the conditions for its compensability, One of the fundamental issues is how to define and determine the scope of the tortfeasor's liability for damages. Usually, the attention of legal writers is focused on the compensatory aspect of paying damages, and to determine the scope of liability, they only consider the amount of damage caused to the victim. However, this view has some problems, including ignoring other goals of civil liability, such as the goal of deterrence. The purpose of this article, which was written using descriptive and analytical method and library study, is to identify the factors involved in determining the scope of liability. On this basis, the question can be raised that how can the area of liability be determined? What are the effective factors in determining the scope of the tortfeasor's liability? Have the legal systems of Iran, England and the Principles of European Tort Law followed a clear logic in this regard? Unlike the laws of Iran and England, the European principles of civil liability law have clear rules in this regard; However, the study of various examples in the laws of England and Iran indicates that these legal systems pay attention to various factors in determining the area of liability. The research showed that the basis of civil liability, the type of damage caused, the situation of the tortfeasor and the victim, as well as policy-related considerations have an undeniable role in delineating the scope of the liability. Manifestations of paying attention to these factors are clearly visible in the aforementioned legal systems.
How To Cite	Daryaei, Reza (2025). Identifying effective factors in determining the scope of the tortfeasor's liability A comparative study of Iran, England and Principles of European Tort Law. <i>Comparative Law Review</i> , 16 (1), 149-176. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2024.378358.634649
DOI	10.22059/jcl.2024.378358.634649
Publisher	The University of Tehran Press 



شناسایی عوامل مؤثر در تعیین قلمرو مسئولیت زیان‌زننده؛ مطالعه تطبیقی حقوق ایران، انگلستان و اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی

رضا دریائی^۱

۱. گروه حقوق، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: reza.daryaei@guilan.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۳ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ کلیدواژه‌ها: اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی، انگلستان، ایران، زیان‌زننده، قلمرو مسئولیت، مسئولیت مدنی.	با تحقق عمل زیان‌بار، ضرر و رابطه سببیت، مسئولیت مدنی محقق می‌شود. صرف نظر از شناسایی انواع خسارت و شرایط جبران‌پذیری آن، چگونگی طراحی و تعیین قلمرو مسئولیت زیان‌زننده از جمله موضوعات بنیادین است. به‌طور معمول توجه نویسندگان حقوقی معطوف به جنبه جبرانی پرداخت خسارت است و برای تعیین قلمرو مسئولیت، صرفاً میزان خسارت وارده به زیان‌دیده را مورد توجه قرار می‌دهند. این درحالی است که این نگاه اشکالاتی به همراه دارد که از جمله آن می‌توان به نادیده گرفتن سایر اهداف حقوق مسئولیت مدنی مانند هدف بازدارندگی اشاره کرد. هدف نوشتار حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای به‌رشته تحریر درآمده، شناسایی عوامل دخیل در تعیین قلمرو مسئولیت زیان‌زننده است. بر همین پایه این پرسش قابل طرح است که چگونه می‌توان قلمرو مسئولیت را تعیین نمود؟ عوامل مؤثر در ترسیم قلمرو مسئولیت زیان‌زننده کدام است؟ آیا نظام حقوقی ایران، انگلستان و اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی در این باره از منظر روشنی پیروی کرده‌اند؟ برخلاف حقوق ایران و انگلستان، اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی از قواعد روشنی در این خصوص برخوردار است؛ با این حال، مطالعه مصادیق متنوع در حقوق انگلستان و ایران، حکایت از توجه این نظام‌های حقوقی به عوامل مختلف در تعیین قلمرو مسئولیت دارد. این تحقیق نشان داده است مبنای مسئولیت مدنی، نوع خسارت وارده، وضعیت زیان‌زننده و زیان‌دیده و همچنین ملاحظات مربوط به سیاست‌گذاری، نقش غیرقابل انکاری در ترسیم قلمرو مسئولیت مدنی دارند. به‌روشنی جلوه‌هایی از توجه به این عوامل در نظام‌های حقوقی یادشده نمایان است.
استناد	دریائی، رضا (۱۴۰۴). شناسایی عوامل مؤثر در تعیین قلمرو مسئولیت زیان‌زننده؛ مطالعه تطبیقی حقوق ایران، انگلستان و اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i>، ۱۶ (۱)، ۱۴۹-۱۷۶. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2024.378358.634649
DOI	10.22059/jcl.2024.378358.634649
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

لزوم ورود خسارت، یکی از ارکان تحقق مسئولیت مدنی است. همواره بحث پیرامون این شرط و حدود و ثغور آن مورد توجه محققان بوده است. با این حال، عمده توجه معطوف به شناسایی اقسام خسارت، شرایط و مصادیق خسارت قابل جبران است. توجه به این موارد، لازم اما ناکافی است. به صورت معمول برای ترسیم قلمرو مسئولیت^۱ زیان‌زننده، صرفاً ارزیابی میزان خسارت وارد به زیان‌دیده مورد توجه قرار می‌گیرد و قاعده یکسانی در همه موارد اعمال می‌شود. در این مسیر، اصل بر این است که خسارت وارده به زیان‌دیده جبران گردد. بر همین اساس، اصولاً هدف و توجه معطوف به جنبه جبرانی پرداخت خسارت^۲ برای قرار دادن زیان‌دیده در وضعیت قبل از وقوع عمل زیان‌بار است؛ این درحالی است که نادیده گرفتن اقتضائات هر زمینه، حتی هدف جبرانی پرداخت خسارت را هم با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. برای نمونه، نمی‌توان قواعد یکسانی نسبت به همه زیان‌زندگان اعمال نمود. اهداف حقوق مسئولیت مدنی از جمله هدف بازدارندگی ایجاب می‌کند نحوه ارتکاب عمل زیان‌بار در تعیین میزان مسئولیت اثرگذار باشد. همچنین جملگی خسارات از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند. به طور مشخص حمایت از تمامیت جسمانی، اولویت مهمی برای نظام‌های حقوقی است. همین امر اقتضا می‌کند قانون‌گذار در تعیین قلمرو مسئولیت مدنی، حمایت بیشتری نسبت به این خسارات به عمل آورد. روشن نبودن عوامل مؤثر در تعیین قلمرو مسئولیت، پیامدهای نامطلوب زیادی به همراه دارد؛ از جمله اینکه مانع تحقق اهداف مورد پذیرش در حقوق مسئولیت مدنی می‌گردد. این ابهام موجب می‌شود زیان‌دیده و زیان‌زننده پاسخ لازم را از نظام حقوقی دریافت نکنند و دادرس هم در صدور رأی شایسته با چالش‌های زیادی مواجه گردد.

در حقوق انگلستان همانند نحوه مواجهه فقهای امامیه، اساساً قاعده کلی مبنی بر مسئولیت مدنی وجود ندارد و با موجبات خاص و مستقلاً مانند بی‌احتیاطی^۳، مزاحمت^۴، هتک حیثیت^۵ مواجه هستیم که حسب مورد دعوای مسئولیت مدنی مشمول یکی از این موجبات خواهد شد. در این موجبات، قاعده روشنی در خصوص چگونگی تعیین قلمرو مسئولیت مدنی مشاهده نمی‌شود. با این حال، مطالعه موجبات مسئولیت مدنی در این نظام حقوقی و همچنین توجه به تحولات رویه قضایی، حاکی از امکان شناسایی و معرفی معیارهایی برای تعیین قلمرو مسئولیت زیان‌زننده است. در حقیقت با مطالعه مصادیق و در پرتو اهداف مورد پذیرش در حقوق مسئولیت مدنی می‌توان نسبت به انجام این مهم اقدام نمود. در حقوق ایران با اینکه قانون مسئولیت مدنی در پی بیان قاعده عمومی برای مسئولیت مدنی بوده است، شاهد

1. Scope of Liability

2. Compensatory

3. Negligence

4. Nuisance

5. Defamation

بحث مستقلی در خصوص چگونگی ترسیم قلمرو مسئولیت نیستیم و با اینکه بر اساس ماده ۳ این قانون، دادگاه مکلف به تعیین میزان زیان با توجه به «اوضاع و احوال قضیه» است، اما از عوامل مؤثر در تحقق اوضاع و احوال رمزگشایی نشد و در ماده ۴ هم تنها موجباتی برای تخفیف مسئولیت ذکر شده است. نارسایی قانون مدنی در این خصوص به مراتب از قانون مسئولیت مدنی بیشتر است.^۱ قانون مدنی که مباحث مربوطه را ذیل عنوان «ضمان قهری» و با توجه به دیدگاه فقیهان سامان داده است، تحت تأثیر قواعدی مانند «اعتداء به مثل»، صرفاً به تناسب میزان مسئولیت با قلمرو خسارت وارده توجه دارد. بر این اساس، تقویم خسارت باید معادل مال تلف شده صورت پذیرد و به همان میزان به زیان دیده خسارت پرداخت گردد؛ نه کمتر و نه بیشتر از آن. همچنان که برای مثال در قسمت اول ماده ۳۲۸ قانون مدنی می‌خوانیم: «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل و یا قیمت آن را بدهد...». این نگاه در ضمان قهری ریشه در کارکرد ترمیمی جبران خسارت دارد. در این ساختار، برای نمونه، دادرس بدون توجه به تقصیر سبک و سنگین، دست به تقویم و ارزیابی زیان می‌زند و حتی ممکن است در برابر تقصیر سبک، زیان‌زننده را به خسارت سنگینی محکوم کند یا اینکه در برابر تقصیر سنگین، زیان‌زننده را به پرداخت خسارت سبکی محکوم نماید؛ زیرا اصل در تقویم خسارت، «تناسب میان زیان و جبران» است (Al-Sharif & Saeidi, 2013: 20). این نوع نگاه به‌روشنی در تنافی با اهداف حقوق مسئولیت مدنی قرار دارد و پیامدهای نامطلوبی به‌همراه داشت. برخلاف این دو نظام حقوقی، اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی موسوم به PETL^۲، توجه ویژه‌ای به موضوع داشته و صرف نظر از ماده ۳: ۲۰۱ این اصول که مثال‌هایی را از عوامل مؤثر بر قلمرو مسئولیت بیان داشته است، از مواد مختلف آن می‌توان راهنمایی برای تعیین قلمرو مسئولیت زیان‌زننده شناسایی نمود. تهیه این اصول مبتنی بر مطالعات گسترده و تطبیقی با حضور نمایندگان کشورهای مختلف بوده و در تهیه آن از جمله در بحث حاضر، به رویه قضایی توجه ویژه شده است (European Group on Tort Law, 2005: 60).

این نوشتار به صورت مشخص به دنبال شناسایی عوامل مؤثر در تعیین قلمرو مسئولیت زیان‌زننده و ارائه الگویی در این خصوص است. یادآور می‌شویم از نظر مفهومی قلمرو مسئولیت به میزان مسئولیتی که در نتیجه ایراد خسارت به زیان‌زننده تحمیل می‌شود نظر دارد و بحثی متفاوت با رابطه سببیت است.

۱. برای ملاحظه رابطه میان قواعد مربوط به ضمان قهری در قانون مدنی با قانون مسئولیت مدنی، ر.ک. Daryaei & Karbalaee Aghazadeh, 2020: 93-125.

2. Principles of European Tort Law

این اصول از سوی گروه اروپایی حقوق مسئولیت مدنی (European Group on Tort Law) متشکل از نمایندگان از کشورهای مختلف و در نتیجه یک مطالعه تطبیقی دقیق، با هدف حرکت به سمت ایجاد قانون یکسان در زمینه مسئولیت مدنی برای کشورهای اروپایی گردآوری شده است.

به بیان دیگر با فرض وجود ارکان مسئولیت مدنی از جمله رابطه سببیت، این بحث در پی آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که دادگاه در تعیین میزان محکومیت خوانده به چه عواملی باید توجه نماید؟ با وجود تمایز جایگاه این بحث با رابطه سببیت، فصل سوم PETL که به رابطه سببیت اختصاص دارد به دو زیرمجموعه تقسیم شده است و بعد از بیان مباحث مربوط به سبب، نظیر تعدد اسباب و غیره در قسمت اول، در قسمت دوم به قلمرو مسئولیت پرداخته است. این مهم حتی در زمان تدوین این اصول هم مورد انتقاد برخی از کشورها قرار گرفته و از نظر علمی، بحث قلمرو مسئولیت ذیل عنوان رابطه سببیت همراه با اشکال دانسته شده است (European Group on Tort Law, 2005: 43-44). افزون بر آن، همان طور که در ادامه بیان خواهد شد، برخی از عوامل مؤثر در تعیین قلمرو مسئولیت مانند اثرگذاری مبنای مسئولیت و انواع مختلف خسارت، صرفاً با بحث رابطه سببیت ارتباط ندارد. چگونگی ترسیم قلمرو مسئولیت مدنی، بحث مستقلی از ارکان مسئولیت مدنی است که ضمن وجود پیوند وثیق با آن، پس از مطالعه ارکان مسئولیت مدنی و در طول آن قابل طرح است؛ البته همان طور که گفته شده ثمره عملی چندان بر این اختلاف مترتب نیست (European Group on Tort Law, 2005: 43). بر همین اساس باید به پرسش‌هایی از این دست پاسخ داد: در صورت تحقق شرایط مسئولیت مدنی، چه عواملی در تعیین میزان مسئولیت زیان‌زننده اثرگذار است؟ قانون‌گذار در وضع قانون و رویه قضایی و در تفسیر و اعمال آن باید به چه متغیرهایی در تعیین دامنه مسئولیت توجه نماید؟ آیا می‌توان بر پایه مطالعه تطبیقی، عواملی را به صورت نظام‌مند شناسایی و معرفی کرد؟ فرضیه نگارنده این است که عوامل متعددی در تعیین قلمرو مسئولیت اثرگذار است. اولویت‌ها و ارزشمندی منافع مورد حمایت در هر نظام حقوقی که ریشه در مبانی فلسفی آن نظام حقوقی دارد در کنار اهداف متنوع حقوق مسئولیت مدنی مانند جبران خسارت، بازدارندگی و اصلاح رفتار زیان‌زننده ایجاب می‌کند در تعیین قلمرو مسئولیت مدنی، مبنای مسئولیت، نوع خسارت وارده، وضعیت زیان‌زننده و زیان‌دیده مورد توجه قرار گیرد. افزون بر آن، توجه به ملاحظات مربوط به سیاست‌گذاری در هر نظام حقوقی، ضروری است.

زیان‌زننده و زیان‌دیده بازیگران اصلی در دعوای مسئولیت مدنی هستند و لذا توجه به شرایط آنها اجتناب‌ناپذیر است. زمینه ایراد خسارت عامل اصلی در تعیین مبنای مسئولیت مدنی است و به طور منطقی تعیین قلمرو مسئولیت نباید به نحوی باشد که با مبنای مسئولیت در تنافی قرار گیرد. جملگی منافع از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند و همچنین برقراری تعادل و توزان میان حقوق زیان‌دیده و زیان‌زننده یک ضرورت است؛ لذا نوع خسارت وارده در تعیین قلمرو مسئولیت اهمیت قابل توجهی خواهد داشت. نظام حقوقی به منظور حل و فصل دعوای مسئولیت مدنی با محدودیت‌هایی مواجه است. این محدودیت‌ها باعث می‌شود منابع صرف اولویت‌های مهم‌تری در دعوای مسئولیت مدنی گردد. به این ترتیب، ابعاد مختلف دخیل در دعوای مسئولیت مدنی در تعیین قلمرو مسئولیت اثرگذار است.

حقوق دانان داخلی در پژوهش‌های ارزشمندی به بحث در خصوص قلمرو خسارت قابل جبران پرداخته‌اند. برای نمونه، برخی از تحقیقات به بعضی جنبه‌های چالشی که در مسیر اصل جبران کلیه خسارات وجود دارد، توجه کرده‌اند (Badini, 2012: 59-78; Babaei, 2005: 45-83) و یا افزون بر جنبه ترمیمی جبران خسارت، به جنبه غیرترمیمی جبران خسارت هم اشاره داشته‌اند (Sadeqi Moghaddam & Noury Youshanloey, 2013: 239-256). همچنین اهداف جبران خسارت از سوی برخی از پژوهشگران مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته است (Badini, 2004: 55-113; Neematollahi, 2021: 369-396). با این حال، نوشتار حاضر وجه فارق روشنی با سایر تحقیقات دارد. در تحقیقات پیشین، شناسایی قلمرو مسئولیت زیان‌زننده مدنظر قرار نگرفته است و اساساً مسئله آنها بحث قلمرو مسئولیت نیست. این تحقیقات صرفاً معطوف به برخی از جنبه‌های چالشی جبران خسارت است، بدون اینکه در مقام ارائه طرحی برای تعیین قلمرو مسئولیت باشد. این مقاله برای دستیابی به این مهم به مطالعه تطبیقی مبادرت نموده و افزون بر حقوق ایران، موضوع را در نظام حقوق انگلستان و PETL مورد مطالعه قرار داده است. بر این بنیاد و با درنظر گرفتن اهداف حقوق مسئولیت مدنی و مشاهده مصادیق مختلف، چهار عامل به‌عنوان عوامل مؤثر در تعیین قلمرو مسئولیت معرفی می‌شود. همه این عوامل مورد محک نظام‌های حقوقی قرار گرفته و در میان منابع تطبیق، مثال‌هایی برای آن شناسایی شده است. بیان هر نمونه در خصوص عوامل معرفی شده، تأییدی بر اثرگذاری عامل مورد بحث است. دسته‌بندی این عوامل به صورت نظام‌مند و بر پایه مطالعه تطبیقی به‌همراه طرح مثال‌های متنوع، نوآوری مقاله حاضر است.

در ادامه، تأثیر چهار عامل، یعنی مبنای مسئولیت مدنی، نوع خسارت وارده، وضعیت زیان‌زننده و زیان‌دیده و همچنین ملاحظات مربوط به سیاست‌گذاری نظام حقوقی را بر تعیین قلمرو مسئولیت مدنی مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۲. تأثیر مبنای مسئولیت مدنی بر قلمرو مسئولیت

در خصوص مبنای مسئولیت مدنی، احتمالات مختلفی قابل طرح است. در جای خود به اثبات رسیده است که امکان شناسایی مبنای واحد برای تمام زمینه‌های ایراد خسارت وجود ندارد (Katouzian, 2006: 223; Babaei, 2016: 141-142; Badini, 2006: 607-621; Safai & Rahimi, 2011: 77-78). در حقوق انگلستان با وجود رشد و توسعه بی‌احتیاطی یا تقصیر به‌عنوان مبنای اصلی مسئولیت مدنی (Markesinis & Deakin, 1999: 69)، حسب ملاحظات در پاره‌ای از موجبات مسئولیت مدنی، از دیرباز مسئولیت بدون تقصیر هم مورد توجه بوده است؛ برای نمونه می‌توان به مسئولیت مدنی ناشی از

اموال پرمخاطره مانند حیوانات خطرناک اشاره کرد (McBride & Bagshaw, 2018: 442). در حقوق ایران هم توجه به هر دو مبنا قابل مشاهده است. برای مثال، ساختار قاعده اتلاف با مسئولیت محض^۱ همخوانی دارد و این درحالی است که مبنای مسئولیت در قانون مسئولیت مدنی یا مبنای مسئولیت پزشک در قانون مجازات اسلامی، به ترتیب تقصیر و پیش فرض تقصیر است (Babaei, 2016: 140-147). در مواد ۴ و ۵ PETL نیز حسب مورد به مسئولیت مبتنی بر تقصیر و مسئولیت محض بر پایه ملاحظات علمی و عملی توجه شده است.

صرف نظر از چرایی انتخاب هریک از مبانی در مصادیق مختلف که از موضوع نوشتار حاضر خارج است، این پرسش قابل طرح است که آیا میان مسئولیت مبتنی بر تقصیر و مسئولیت محض، تفاوتی از حیث قلمرو مسئولیت وجود دارد؟ پاسخ به این پرسش مثبت به نظر می‌رسد و بند «c» ماده ۳: ۲۰۱ PETL به این مهم اشاره دارد و باید اذعان نمود قلمرو مسئولیت از جمله تحت تأثیر مبنای مسئولیت قرار می‌گیرد. از نظر تحلیلی، بازدارندگی به عنوان یکی از اهداف اصلی حقوق مسئولیت مدنی ایجاب می‌کند که مسیر توسعه مسئولیت شخص زیان‌زننده در مسئولیت مدنی همراه با تقصیر هموارتر باشد (European Group on Tort Law, 2005: 62). البته این امر به معنای نفی امکان توسعه مسئولیت بر بنیاد مسئولیت محض نیست. قانون‌گذار ممکن است حسب ملاحظاتمانند اهمیت نوع خسارت هم مسئولیت محض و هم توسعه قلمرو مسئولیت را دنبال کند (European Group on Tort Law, 2005: 62). در ادامه دو نمونه پیرامون نحوه اثرگذاری مبنای مسئولیت بر قلمرو مسئولیت زیان‌زننده بیان می‌شود.

نخست اینکه اصولاً در مسئولیت مبتنی بر تقصیر است که از ضرورت پیش‌بینی پذیری زیان سخن به میان می‌آید، ولی در مسئولیت محض چنین محدودیتی با چالش‌های جدی مواجه می‌شود و این شرط مورد پذیرش نیست. بر این اساس، قلمرو مسئولیت مبتنی بر تقصیر محدود به خسارت قابل پیش‌بینی است. در حقوق انگلستان برای مدت‌ها همین قاعده حاکم بود^۲، اما حسب تحولات رویه قضایی نمی‌توان این نتیجه را در وضعیت فعلی به صورت کامل تأیید کرد (Cooke, 2011: 12). برای نمونه، مسئولیت مدنی از باب قاعده رایلندز علیه فلچر^۳ از جمله مواردی است که مبنای مسئولیت، مسئولیت محض بوده، اساساً شکل‌گیری مسئولیت محض در حقوق انگلستان پیرو این دعوا صورت پذیرفته است (Stephenson, 2009: 393)؛ با وجود این، در پرونده شرکت آب کمبریج علیه شرکت چرم‌نواحی

1. Strict Liability

۲. شایان ذکر است در حقوق انگلستان از جمله معیارهای لازم برای شکل‌گیری مفهوم تکلیف به مراقبت (Duty of care) که برای تحقق مسئولیت مدنی از باب بی‌احتیاطی یا تقصیر ضروری است، همین شرط قابل پیش‌بینی بودن خسارت است (Cooke, 2011: 47).

3. Rylands v Fletcher (1865) 3 H&C 774

شرقی^۱، کمیته قضایی مجلس اعیان در اعمال قاعده یادشده، شرط پیش‌بینی پذیری زیان را هم لحاظ کرده است (Green, 2017: 97-98). در حقوق ایران، نویسندگان حقوقی با وجود برخی تفاوت‌ها در تعبیر، ضرورت پیش‌بینی پذیری زیان را تنها در مسئولیت مبتنی بر تقصیر اعمال می‌کنند و آن را شامل مواردی مانند اتلاف که با مسئولیت محض همخوانی دارد، نمی‌دانند (Katouzian, 2006: 301; Hekmatniya, 2007: 351). یکی از عوامل مؤثر در تعیین قلمرو مسئولیت در PETL، مطابق ماده ۳:۲۰۱، قابل پیش‌بینی بودن خسارت است (European Group on Tort Law, 2005: 61). به‌نظر می‌رسد در PETL هم اصولاً مسئولیت مبتنی بر تقصیر است که ضرورت پیش‌بینی پذیری مورد توجه قرار می‌گیرد؛ زیرا در ادامه ماده ۴:۱۰۱ که تقصیر را تخطی از رفتار متعارف به‌شمار می‌آورد، ماده ۴:۱۰۲ از جمله عوامل مؤثر در این زمینه را پیش‌بینی پذیری زیان معرفی می‌نماید (European Group on Tort Law, 2005: 71). با وجود این، در تعریف اقدامات خطرناک غیرمعمول که محل اعمال مسئولیت محض است، قسمت «a» از بند ۲ ماده ۵:۱۰۱، در کنار غیرمتعارف بودن اقدام و اهمیت میزان خطر، به قابل پیش‌بینی بودن خطر هم توجه نموده است. افزون بر آن، یکی از دفاعیات در برابر مسئولیت محض، تحقق قوه قاهره یا عمل شخص ثالث است و مطابق ماده ۷:۱۰۲ از جمله شرایط تحقق این دفاع، غیرقابل پیش‌بینی بودن خسارت به‌شمار آمده است.

دوم، ملاحظه تمایزات قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی در خصوص قلمرو خسارت قابل جبران، حکایت از تأثیر مبنای مسئولیت بر قلمرو آن دارد (Babaei, 2023:119). قانون مدنی که مباحث ضمان قهری را بر پایه استناد خسارت به عامل زیان ساماندهی نموده است، خسارت قابل جبران را هم با توجه به ماده ۳۲۸ به خسارت مالی در معنای محدود خود (عین و منفعت) مورد پذیرش قرار داده است. این درحالی است که در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، قانون‌گذار ضمن معرفی تقصیر به‌عنوان مبنا، مصادیق

1. Cambridge Water Co. v Eastern Countries Leather plc [1994] 2 AC 264

در این پرونده، خوانده تا سال ۱۹۷۶ از یک ماده شیمیایی در فرایند دباغی استفاده می‌کرد و در نتیجه نفوذ مقداری از آن به داخل کف سیمانی، آب داخل چاه متعلق به خواهان که با فاصله بیش از یک مایل از آن قرار داشت آلوده گردید. این آلودگی تا سال ۱۹۸۳ آشکار نشد. پس از آشکار شدن این مهم، خواهان ناگزیر شد با صرف یک میلیون پوند چاه جدیدی حفر نماید. کمیته قضایی مجلس اعیان بیان داشت برای اقامه دعوا بر بنیاد قاعده رایلندز علیه فلچر لازم است قابل پیش‌بینی بودن خسارت اثبات گردد. زمانی که خوانده مواد شیمیایی را به داخل ملک خود آورد، نمی‌توانست پیش‌بینی کند که این امر موجب تحمیل خسارت به ذخیره آب خواهان خواهد شد و لذا در این پرونده خوانده مسئول جبران خسارت دانسته نشد. معیار قابل پیش‌بینی بودن خسارت این است که در زمانی که شیء موردنظر به داخل ملک آورده می‌شود، خوانده می‌بایست پیش‌بینی می‌کرد که در صورت خروج آن از ملک، این نوع از خسارت وارد می‌شود. در این پرونده مقداری از خسارات قابل پیش‌بینی بود، لیکن تحمیل خسارت به ذخیره آب خواهان، آن هم با فاصله بیش از یک مایل، قابل پیش‌بینی نبود. لازم به ذکر است آنچه قابلیت پیش‌بینی آن ضرورت دارد، تحمیل خسارت است، نه خروج شیء از ملک (Green, 2017: 98).

بیشتری را به عنوان خسارت قابل جبران پذیرفته است. اگر زیان دیده به دنبال بهره‌مندی از این توسعه باشد، باید در آغاز امر تقصیر عامل زیان را اثبات نماید. در حقوق انگلستان ضرورت توجه به مبنا قابل مشاهده است. به صورت مشخص خسارت روانی^۱ و خسارت صرفاً اقتصادی^۲ تحت قلمرو دعوا بر بنیاد بی‌احتیاطی یا تقصیر قرار دارد (Elliott & Quinn, 2017: 101, 121). اگر خواسته زیان دیده ناظر به این موارد باشد، باید قواعد این دعوا را رعایت نماید. همان طور که در مباحث بعدی بیان خواهد شد در دعوا بر اساس بی‌احتیاطی، جبران این مصادیق با موانع زیادی مواجه است.^۳

۳. تأثیر نوع خسارت وارده و خصایص آن بر قلمرو مسئولیت

نوع خسارت وارد به زیان دیده و خصایص آن در شناسایی قلمرو مسئولیت اثرگذار است. علت اصلی این است که جملگی منافع از ارزش و حمایت یکسانی برخوردار نیستند و نظام‌های حقوقی از جمیع انواع خسارت حمایت‌های یکسانی نمی‌کنند. هر نظام حقوقی حسب ارزش‌های مورد پذیرش خود، قلمروی از حمایت را نسبت به خسارات وارده به عمل می‌آورد. برای نمونه اصولاً در قیاس با سایر انواع خسارات، جبران خسارت بدنی در اولویت نظام‌های حقوقی قرار دارد (Markesinis & Deakin, 1999: 88-89). به همین منظور در بند ۱ ماده ۲: ۱۰۲ PETL، قلمرو حمایت از خسارت وارده تابع میزان ارزشمندی منفعت مورد آسیب قرار گرفته است. همان طور که گفته شد، این مقرر بر این مقدمه استوار است که چون نظام حقوقی امکان حمایت هم‌زمان از تمام منافع را ندارد، لذا رتبه‌بندی آن اجتناب‌ناپذیر است (Bussani & Palmer, 2009: 37-38). نباید از یاد برد که ممکن است حتی در جایی که منفعت یا ارزشی اولویت محسوب می‌شود با منفعت یا ارزش دیگری در همان ردیف در تراحم قرار گیرد. در این صورت این پرسش پیش خواهد آمد که کدامیک را باید بر دیگری ارجح دانست؟ در اینجا نظام‌های حقوقی بر حسب ارزش‌های مورد پذیرش خود به سمت یکی از آن دو حرکت می‌کنند و یا با لحاظ قواعدی به دنبال برقراری نقطه تعادل هستند. بر همین اساس، می‌توان ادعا کرد اقتضائات انواع مختلف خسارت در تعیین قلمرو مسئولیت اثرگذار است. در ادامه با بیان مثال‌هایی چگونگی تأثیر این امر را نشان خواهیم داد.

نخست، همان طور که بیان شد و از عبارات بند ۲ ماده ۲: ۱۰۲ PETL هم قابل فهم است، سلامت

1. Psychiatric injury

2. Pure economic loss

۳. یادآور می‌شویم در میان مبانی قابل طرح برای مسئولیت مدنی، نظریه تضمین حق از این حیث قابل توجه است. در این نظریه مبنای مسئولیت بر قلمرو خسارت قابل جبران اثر می‌نهد. در خصوص خسارت مالی و بدنی، مسئولیت بدون تقصیر است؛ اما در مورد خسارت معنوی و اقتصادی، مسئولیت مبتنی بر تقصیر است (Katouzian, 2006: 208-210). به بیان دیگر بر پایه تقصیر به عنوان مبنا، قلمرو مسئولیت زیان‌زننده توسعه یافته، شامل خسارت معنوی و اقتصادی هم می‌شود.

جسم و جان اولویت مهمی برای نظام‌های حقوقی به‌شمار می‌آید. با وجود نقش مهم شرط پیش‌بینی پذیری زیان در مسئولیت مدنی، این اهمیت بالای تمامیت جسمانی است که موجب تعدیل این شرط در خصوص خسارات بدنی شده است. این نتیجه در حقوق انگلستان مورد تأیید است (Finch & Fafinski, 2018: 318; McBride & Bagshaw, 2011: 46). در حقوق داخلی هم نویسندگان حقوقی طرفدار ضرورت پیش‌بینی پذیری زیان، این استثنا را شناسایی کرده‌اند (Ghamami, 2009: 160 et seq). در حقیقت، اهمیت تمامیت جسمانی اقتضای آن را دارد که زیان‌زننده حتی نسبت به خسارت غیرقابل پیش‌بینی هم مسئول باشد. بر اساس بند «ا» ماده ۳: ۲۰۱ PETL، ازجمله موارد بااهمیت در تعیین محدوده مسئولیت، پیش‌بینی پذیری متعارف خسارت در زمان انجام عمل زیان‌بار است. با این حال بر اساس سایر بندهای این ماده و نیز بند ۲ ماده ۲: ۱۰۲ که تمامیت جسمانی را شایسته برخورداری از بالاترین حد حمایت دانسته، نتیجه پیش‌گفته بر اساس PETL هم قابل تأیید است.

دوم، حمایت از شخصیت معنوی همانند خسارت بدنی اولویت مهمی برای نظام‌های حقوقی است؛ برای نمونه، بند ۲ ماده ۲: ۱۰۲ PETL، آن را در صدر منافع مورد حمایت قرار داده است و حتی بسیاری از کشورها برای مواجهه با نقض شخصیت معنوی، اقدام به جرم‌انگاری نموده‌اند (Gholamloo & Daryaei, 2022: 207-219). همان‌طور که بیان خواهد شد، نوع و طبیعت این خسارت، موجب محدودیت‌هایی برای قلمرو مسئولیت است.^۱ در خصوص قابل جبران دانستن خسارت ناشی از هتک حیثیت، نگرانی اصلی نادیده‌گرفتن حق آزادی بیان است. هر دو حق، شایسته حمایت است و اهمیت این امر از بند ۲ ماده ۲: ۱۰۲ PETL که این دو را هم‌ردیف هم و در کنار خسارت بدنی در صدر منافع موردحمایت قرار داده و همچنین ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی که از هر حق قانونی مثل آزادی بیان مانند شخصیت معنوی افراد حمایت به‌عمل آورده، قابل فهم است. در اینجا از یک سو، حیثیت شخص زیان‌دیده نیازمند حمایت است و از سوی دیگر حمایت مطلق از آن به حق آزادی بیان شخص زیان‌زننده آسیب جدی وارد می‌آورد (McBride & Bagshaw, 2018: 498 ; Green, 2017: 161). همچنین

۱. شایان ذکر است در حقوق ایران با لحاظ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، افزون بر هتک حیثیت و اعتبار شخصی و خانوادگی، صدمات روحی یعنی آسیب روانی هم داخل در مفهوم خسارت معنوی قرار داده شده است (Babaei, 2016: 122; Safai & Rahimi, 2011: 75). این درحالی است که این دو مقوله در حقوق انگلستان به صورت مجزا مورد مطالعه قرار می‌گیرد و قواعد و احکام متفاوت دارد. مباحث مربوط به هتک حیثیت ذیل عنوان Defamation قرار می‌گیرد و بر این بنیاد قابل طرح است (Elliott & Quinn, 2017: 229-267) و آسیب روانی، تحت عنوان Psychiatric Injury مشمول قواعد جداگانه‌ای است و اصولاً بر بنیاد بی‌احتیاطی یا تقصیر (Negligence) اقامه دعوا می‌گردد (Cooke, 2011: 71-88). همان‌طور که بیان خواهد شد، نکته جالب توجه و مهم در این خصوص وجود موانع متعدد و البته متفاوت برای توسعه مسئولیت زیان‌زننده در این موارد است که در ادامه بیان خواهد شد.

حمایت مطلق از حق آزادی بیان، نادیده گرفتن هتک حیثیت صورت گرفته را در پی خواهد داشت. برقراری نقطه تعادل از جمله در گرو پرهیز از مسئولیت محض و توجه به تقصیر است تا به این ترتیب، برای نمونه هر اظهار نظری الزاماً موجب مسئولیت مدنی نگردد و صرفاً اظهار نظر نادرستی که بیان آن همراه با تقصیر است، مسئولیت‌آور باشد (Gholamloo & Daryaei, 2022: 227-231). افزون بر آن در این موارد، از منظر حقوق انگلستان، خسارت وارده حتماً باید با اهمیت و قابل توجه^۱ باشد تا جبران‌پذیر به‌شمار آید؛ در غیر این صورت، مسئولیت مدنی منتفی است. این مهم به‌ویژه با توجه به بندهای ۱ و ۲ ماده ۱ قانون هتک حیثیت ۲۰۱۳ قابل تأیید است (Elliott & Quinn, 2017: 223). در حقوق ایران هم باید این نتیجه را پذیرفت، زیرا جبران‌پذیری این قسم از خسارت معنوی، در قانون مسئولیت مدنی مورد شناسایی قرار گرفته است که مبنای آن با توجه به ماده ۱ این قانون، مسئولیت مبتنی بر تقصیر است. همچنین از عبارت «هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید» در ماده ۱۰ این قانون^۳ این گونه مستفاد می‌شود که اهمیت زیان وارده در جبران‌پذیری آن مؤثر است و همانند حقوق انگلستان، خسارات کم‌اهمیت، قابل جبران به‌شمار نمی‌آیند. مطابق بند ۳ ماده ۱۰: ۳۰۱ PETL، از جمله مواردی که در ارزیابی خسارات غیرمادی باید مدنظر قرار گیرد، همین اهمیت و شدت خسارت وارده است.

سوم، همان‌طور که بیان شد، ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری آسیب روانی را هم ذیل خسارت معنوی قرار داده است. در این مصداق، چالش ترسیم قلمرو مسئولیت از نوع دیگری است و طبیعت این نوع از خسارات ما را با پرسش‌هایی از این دست مواجه می‌سازد: آیا آسیب روانی در همه موارد قابل جبران است؟ آیا آسیب روانی به هر شخصی وارد شود اعم از اینکه زیان‌دیده اولیه^۴ باشد یا ثانویه^۵، قابل جبران است؟ از آنجا که در بسیاری از موارد آسیب‌های روحی و روانی در زندگی اجتماعی عصر حاضر اجتناب‌ناپذیر است، قابل جبران دانستن آن در تمامی موارد اشکالات زیادی را ایجاد می‌کند (Cooke, 1995: 54-55; Law Commission, 2012: 109; Quinn, 2011: 71-72). بر همین بنیاد از دیرباز در حقوق انگلستان محدودیت‌های زیادی در مسیر جبران‌پذیری آسیب روانی پیش‌بینی شده است. در این

1. Serious harm

2. Defamation Act 2013

۳. «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید».

4. Primary victim

5. Secondary victim

برای مطالعه در این خصوص، ر.ک. Mirshekari et al, 2024: 175-195; Safaei Moafi et al, 2022: 257-278.

نظام حقوقی از یک سو، آسیب روانی قابل جبران محدود به مواردی شده است که این آسیب در حد یک بیماری روانی شناخته شده^۱ باشد (Markesinis & Deakin, 1999: 123)؛ نه هر درد و رنج معمول و متعارفی (Hedley & Padfield, 2012: 72). ضرورت تحقق این شرط در بند ۱ ماده ۱۰:۲۰۲ PETL هم مورد توجه قرار گرفته است (European Group on Tort Law, 2005: 166) و با بند «d» ماده ۳:۲۰۱ که خطرهای معمول زندگی را عاملی مؤثر در تعیین قلمرو مسئولیت به شمار آورده هم هماهنگ است. از سوی دیگر، بر جملگی زیان دیدگان قواعد یکسانی اعمال نمی‌شود و میان زیان دیدگان اولیه و ثانویه تفاوت وجود دارد. نتیجه این فرق‌گذاری، قابل جبران به شمار نیامدن خسارت روانی به زیان دیدگان ثانویه به عنوان یک اصل و قاعده است. تنها در صورت تحقق شرایط دشواری مانند قابل پیش‌بینی بودن تحمیل آسیب روانی، وجود رابطه عاطفی نزدیک میان زیان دیده ثانویه و اولیه، نزدیکی زیان دیده ثانویه با محل وقوع حادثه برای زیان دیده اولیه، مشاهده مستقیم حادثه یا پیامدهای مستقیم آن، خسارت روانی وارده به زیان دیده ثانویه قابل مطالبه است (Giliker, 2017: 4; Elliott & Quinn, 2017: 104; Green, 2017: 70-72; Markesinis & Deakin, 1999: 125-133). به همین ترتیب، در بند ۱ ماده ۱۰:۳۰۱ PETL هم شاهد توجه به ضرورت وجود رابطه نزدیک هستیم. در حقوق ایران مطالبه این نوع خسارت با محدودیت‌های کم‌وبیش مشابهی مواجه است. برای نمونه، ضرورت تبدیل شدن آسیب روانی به بیماری را از ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نیز می‌توان برداشت کرد. «سلامت» در این ماده-همان‌طور که گفته شد- محدود به جسم نیست و شامل سلامت روان هم می‌شود (Safaei Moafi et al, 2022: 282). بر این اساس باید لطمه روحی تبدیل به آسیب به سلامت یعنی بیماری شده باشد تا امکان مطالبه خسارت وجود داشته باشد. زیان دیدگان ثانویه، نظر به غیرمستقیم بودن آسیب وارده به آنها، با موانع جدی مواجه هستند.

چهارم، خسارت صرفاً اقتصادی هم خصایصی دارد که جبران‌پذیری آن را با چالش مواجه نموده است (Babaei, 2005: 69-74; Badini, 2012: 59). به صورت تاریخی حقوق انگلستان برخلاف مسئولیت مدنی قراردادی، در مسئولیت مدنی غیرقراردادی اصل را بر غیرقابل جبران بودن خسارت صرفاً اقتصادی نهاده و رویه قضایی در طول سال‌ها تنها استثناهای محدودی بر این اصل شناسایی کرده است (Green, 2017: 58; Bussani & Palmer, 2009: 39; Markesinis & Deakin, 1999: 88-90). در جایی که رابطه طرفین بر پایه قرارداد شکل می‌گیرد، طرفین قرارداد محدود و مشخص است؛ بر این اساس، دعاوی احتمالی هم اصولاً محدود به همین اشخاص بوده، نگرانی از طرح دعوا از سوی اشخاص بی‌شمار وجود ندارد (Cane, 1996: 45). افزون بر آن، در مسئولیت قراردادی هدف اصلی و معیار تعیین

1. Recognised psychiatric illness

خسارت، قرار دادن زیان دیده در وضعیتی است که اگر قرارداد اجرا می‌شد در آن وضعیت قرار می‌گرفت. به همین منظور این خسارت در مسئولیت قراردادی قابل جبران است (Neematollahi, 2021: 371-372). از جمله اشکالات قابل اشاره در بحث خسارت عدم‌النفع به‌عنوان یک مصداق خسارت صرفاً اقتصادی در حقوق ایران، همین عدم توجه به نوع مسئولیت است. تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی به نحو قابل انتقادی به صورت مطلق خسارت عدم‌النفع را غیرقابل جبران اعلام کرده است. در حقوق تطبیقی قابل جبران بودن این خسارات در مسئولیت مدنی قراردادی مورد اتفاق نظر قرار دارد و اگر اختلافی است ناظر به مسئولیت مدنی غیرقراردادی است. شایان ذکر است در بند ۴ از ماده ۲: ۱۰۲ PETL هم بر محدودیت‌های موجود برای جبران خسارت صرفاً اقتصادی تأکید شده است (Bussani & Palmer, 2009: 37-38).

با ملاحظه این مثال‌ها می‌توان تأیید نمود بیان یک قاعده کلی برای تعیین قلمرو مسئولیت نسبت به تمام انواع خسارت پذیرفتنی نیست. انواع مختلف خسارت، اقتضائات متفاوتی به‌همراه دارد که می‌تواند در ترسیم قلمرو مسئولیت مؤثر افتد. همان‌طور که بیان شد، اهمیت بالای تمامیت جسمانی ایجاب می‌کند نظام حقوقی بالاترین درجه از حمایت را به‌عمل آورد و برای نمونه حتی خسارت غیرقابل پیش‌بینی را هم در این خصوص قابل جبران بداند. حمایت از شخصیت معنوی افراد باید به نحوی باشد که به نادیده گرفتن حق آزادی بیان منجر نگردد. در مورد خسارت روانی هم نادیده گرفتن مخاطرات معمول زندگی و محدود نمودن قلمرو زیان‌دیدگان یک ضرورت است؛ همچنین است در خصوص خسارت صرفاً اقتصادی.

۴. تأثیر وضعیت زیان‌زننده و زیان‌دیده بر قلمرو مسئولیت

وضعیت زیان‌زننده و زیان‌دیده در ترسیم قلمرو مسئولیت باید مورد توجه قرار گیرد و نمی‌توان قواعد یکسانی نسبت به جملگی زیان‌زندگان و زیان‌دیدگان اعمال نمود. در ادامه به ترتیب وضعیت زیان‌زننده و زیان‌دیده مورد مطالعه قرار می‌گیرد و چگونگی اثرگذاری آن تشریح می‌شود.

۴.۱. اثرگذاری وضعیت زیان‌زننده

زیان‌زننده با ارتکاب عمل زیان‌بار موجب تحمیل خسارت به زیان‌دیده می‌شود. اهداف حقوق مسئولیت مدنی ایجاب می‌کند از اعمال قواعد یکسان در این خصوص پرهیز نماییم و وضعیت زیان‌زننده را باید عاملی اثرگذار در ترسیم قلمرو مسئولیت او دانست. مطالعه تطبیقی و مصداقی حکایت از آن دارد که اصولاً نظام‌های حقوقی در تعیین قلمرو مسئولیت به تقصیر سنگین یا عمد زیان‌زننده، به میزان تخصص او و

همچنین مقدار سودی که ممکن است در نتیجه عمل زیان‌بار عایدش گردد توجه می‌نماید. در جملگی این موارد کیفیت ارتکاب فعل زیان‌بار به نحوی است که نمی‌توان آن را تقصیر ساده دانست. ساماندهی رفتار افراد در جامعه که از جمله اهداف وضع قوانین است، ضرورت توجه به این موارد را توجیه می‌کند. این موارد صرفاً نمونه‌هایی از ضرورت مداخله حقوق مسئولیت مدنی در ترسیم قلمرو مسئولیت بر پایه توجه به هدف بازدارندگی است. نمونه‌هایی که به مدد مطالعه تطبیقی مورد شناسایی قرار گرفته است.

۴.۱.۱. تقصیر سنگین یا عمد زیان‌زننده

با وجود این گزاره که در حقوق مسئولیت مدنی میان تقصیر سبک و سنگین فرقی نیست و ممکن است از تقصیر سبک، خسارت سنگین به‌بار آید و از تقصیر سنگین، خسارت سبک (Katouzian, 2006: 355 & Safai & Rahimi, 2011: 154; 687)؛ اما مطالعه تطبیقی حکایت از آن دارد که اصولاً با بالاتر رفتن درجه تقصیر از سوی عامل زیان، میزان مسئولیت بیشتر می‌شود (Bussani & Palmer, 2009: 14). این نتیجه با اهداف حقوق مسئولیت مدنی همخوانی بیشتری دارد. به‌طور مشخص در مواردی که زیان‌زننده با رفتار عمدی خود سبب تحمیل خسارت به زیان‌دیده می‌شود، افزون بر هدف جبران خسارت، اهداف دیگر حقوق مسئولیت مدنی نظیر ضرورت حفظ و پاسداشت از هنجارهای اجتماعی و بازدارندگی و تشفی خاطر زیان‌دیده ایجاب می‌کند در تعیین قلمرو مسئولیت زیان‌زننده به نحوی عمل شود که احتمال تکرار چنین رفتاری در آینده کاهش یابد (Van Dam, 2013: 347-353). همان‌طور که گفته شد «باید بر کینه‌توز و بدخواه سخت گرفت و او را مسئول پیامدهای آن کرد» (Katouzian, 2006: 288). در ادامه چند مثال در این خصوص بیان می‌شود و اثبات می‌گردد عنصر روانی در ترسیم قلمرو مسئولیت اثرگذار است.

نخست، از جمله استثناهای مهم وارد بر ضرورت پیش‌بینی پذیری زیان، تحمیل عمدی خسارت است. در مواردی که زیان‌زننده به صورت عمدی به زیان‌دیده خسارت وارد می‌کند حتی نسبت به خسارات غیرقابل پیش‌بینی هم مسئول است. در حقوق انگلستان که ضرورت پیش‌بینی پذیری زیان در مسئولیت مدنی مورد تأیید قرار گرفته، این استثنا مورد پذیرش است.^۱ در حقوق ایران طرف‌داران ضرورت پیش‌بینی پذیری خسارت در مسئولیت مدنی، از جمله استثناهای وارد بر آن را همین عمدی بودن عمل زیان‌بار عنوان کرده‌اند (Katouzian, 2006: 298; Ghamami, 2009: 158 et seq; Yazdani, 2007: 302). در PETL نیز اگر بند «a» ماده ۳: ۲۰۱ که به ضرورت پیش‌بینی پذیری زیان توجه دارد در کنار بند ۵ ماده ۲: ۱۰۲ که ناظر به نقش عمد عامل زیان در تعیین قلمرو مسئولیت است مورد توجه قرار گیرد، همین نتیجه قابل تأیید است.

1. Doyle v Olby (Ironmongers) Ltd [1969] 2 QB 158

دوم، مثال دیگر ناظر به خسارت صرفاً اقتصادی است. همان‌طور که بیان شد در حقوق انگلستان خسارت صرفاً اقتصادی در مسئولیت مدنی غیرقراردادی اصولاً قابل جبران نیست. یکی از استثناهای بااهمیت در این خصوص، تحمیل عامدانه خسارت صرفاً اقتصادی است (Bussani & Palmer, 2009: 14-15). زیان‌زننده نمی‌تواند با اتکا بر این اصل که خسارت صرفاً اقتصادی قابل جبران نیست، عمداً موجب تحمیل این خسارت شود. قانون‌گذار ایران در خصوص خسارت عدم‌النفع به‌عنوان یکی از مصادیق خسارت صرفاً اقتصادی، به صورت مطلق و بدون درنظر گرفتن عوامل مختلف حکم بر غیرقابل جبران بودن آن داده است. نتیجه‌ای که از نظر منطقی غیرقابل تأیید است و در جایی مانند عمل زیان‌بار عمدی، جبران آن باید مورد شناسایی قرار گیرد (Babaei, 2023:117; Badini, 2012: 74). همان‌طور که گفته شد، از منظر تحلیل اقتصادی حقوق نیز این نتیجه قابل تأیید است (Amini & Daryaei, 2019: 186). بند ۴ ماده ۲: ۱۰۲ PETL هم با اینکه از وجود محدودیت برای جبران خسارت صرفاً اقتصادی یاد کرده، اما در بند بعدی و در فرض وجود عمد، زمینه پذیرش جبران آن را فراهم آورده است (European Group on Tort Law, 2005: 70).

سوم، پیرو تحولات تقنینی صورت‌گرفته در خصوص حوادث رانندگی، در تبصره ۳ ماده ۸ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ چنین آمده است: «خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی صرفاً تا میزان خسارت متناظر وارده به گرانترین خودروی متعارف از طریق بیمه نامه شخص ثالث و یا مقصر حادثه قابل جبران خواهد بود». تبصره ۴ این ماده هم خودروی متعارف را خودرویی که قیمت آن کمتر از ۵۰ درصد سقف تعهدات بدنی باشد اعلام کرده است. به این ترتیب، افزون بر مبلغ یادشده، نه‌تنها از بیمه‌گر، بلکه از مسبب حادثه هم قابل مطالبه نیست. شایان ذکر است در حقوق انگلستان و PETL چنین محدودیتی پیش‌بینی نشده است. همان‌طور که به‌درستی گفته شد، اگر مسبب حادثه به صورت عمدی موجب تحمیل خسارت شود دیگر امکان معافیت از مسئولیت و رای سقف یادشده وجود ندارد و نمی‌توان در پناه تحدید مسئولیت به اشخاص دیگر خسارت وارد نمود (Katouzian & IZANLOO, 2018: 394). اگر نتیجه‌ای غیر از این مورد پذیرش قرار گیرد به معنای آن است که به مسبب حادثه اجازه می‌دهیم به دیگری عمداً آسیب وارد کند و از مسئولیت معاف گردد. مطابق آنچه بیان شد، آشکار گردید تقصیر سنگین یا عمد عامل زیان در تعیین میزان مسئولیت اثرگذار است.

۲.۱.۴. نقش تخصص زیان‌زننده

ممکن است در نتیجه رفتار یا گفتار شخصی به شخص دیگر خسارت وارد آید. آیا متخصص و حرفه‌ای بودن شخصی که در نتیجه اقدامات او خسارت به‌بار آمده، در تعیین قلمرو مسئولیت او اثرگذار است؟

برای نمونه، فرض کنیم شخصی که دارای تألمات روحی است این مشکل را با دوست خود در میان بگذارد و دوستش حسب تجربیات و آگاهی خود، توصیه‌هایی به او کند. اگر این توصیه‌ها مؤثر نیفتد و موجب بیماری گردد آیا می‌توان به واسطه این توصیه ناصواب علیه شخص یادشده طرح دعوی مسئولیت مدنی نمود؟ آیا اگر شخصی که مشاوره می‌دهد یک روان‌شناس متخصص باشد، پاسخ سؤال دستخوش تغییر خواهد شد؟ همین مثال به نحو دیگری هم قابل بیان است، آیا بین جایی که یک دوست به شما می‌گوید برای خرید سهام شرکتی در بورس اقدام کنید با جایی که یک شرکت مشاوره تخصصی در این زمینه به شما مشورت می‌دهد فرقی وجود ندارد؟ اگر پیرو مشورت و تحت تأثیر آن سرمایه‌گذاری کنید و متحمل ضرر شوید، این خسارت قابل جبران است؟

به نظر می‌رسد نمی‌توان تفاوت میان شخص متخصص با غیر آن را نادیده گرفت. به واسطه همین تخصص، از شخص متخصص انتظار رعایت مراقبت بیشتری می‌رود و به واسطه همین امر به او اتکا و اعتماد می‌شود و حتی به او پول پرداخت می‌گردد. به همین منظور رابطه خاصی^۱ میان مشورت‌گیرنده و مشورت‌دهنده شکل می‌گیرد که شایسته حمایت است و به تعبیری می‌توان بیان داشت او در این موارد قبول مسئولیت کرده است.^۲ (McBride & Bagshaw, 2018: 155; Van Dam, 2013: 106-108). به بیان دیگر در فرض تحقق اتکای معقول، مسئولیت شخص متخصص باید مورد پذیرش قرار گیرد و حتی قلمرو مسئولیت او باید شامل آن دسته از انواع خساراتی که اصولاً جبران‌پذیری آن با چالش‌هایی مواجه است نیز بشود (Green, 2017: 62-65). این درحالی است که این نتیجه در مورد مشورتی که برای نمونه یک دوست در جریان روابط اجتماعی به دوست خود می‌دهد، به سادگی پذیرفتنی نیست. رویه قضایی انگلستان این مهم را در ترسیم قلمرو مسئولیت زیان‌زننده مورد توجه قرار داده است (McBride & Bagshaw, 2018: 158-159)؛ برای نمونه می‌توان به دعوی هدلی علیه هلر^۳، اسپرینگ علیه شرکت بیمه گاردین^۴، کاپارو علیه دیکمن^۵، چودری علیه پرابهاکار^۶ و وایت علیه جونز^۷ اشاره کرد. در حقوق ایران هم شایسته است در ترسیم قلمرو مسئولیت از جمله به این متغیر توجه شود. به‌ویژه در مواردی که میان طرفین یک رابطه قراردادی یا شبه‌قراردادی شکل می‌گیرد، می‌توان برای توجیه این مهم به وجود شرط عرفی ضمنی متوسل گردید. مطابق بند ۱ ماده ۴: ۱۰۲، PETL، از جمله عواملی که

1. Special Relationship

2. Assumed a responsibility

3. Hedley Byrne & Co Ltd v Heller & Partners Ltd (1964) AC 465 (HL)

4. Spring v Guardian Assurance plc [1994] UKHL 7

5. Caparo v Dickman [1990] 1 All ER 568

6. Chaudry v Prabhakar [1989] 1 WLR 29

7. White v Jones [1995] 1 All ER 691

در تعیین معیار تقصیر زیان‌زننده مورد توجه قرار می‌گیرد، تخصص مورد توقع از زیان‌زننده است؛ بر این اساس، استاندارد مراقبتی بیشتری از این اشخاص انتظار می‌رود. مطابق نظر برخی از محققان با توجه به دانش و آگاهی زیان‌زننده و اتکای زیان‌دیده به آن، عمل زیان‌بار قابلیت توصیف به تقصیر سنگین را دارد (Safai, 1996: 431 & 438). در صورت پذیرش این نتیجه، خالی از وجه نخواهد بود اگر گفته شود نظر به یکسانی آثار تقصیر سنگین و تقصیر عمدی، بر اساس PETL و با توجه به بند ۵ ماده ۲: ۱۰۲، توسعه قلمرو مسئولیت در این موارد پذیرفتنی است. عبارات صدر ماده ۴: ۱۰۱ که حسب مورد تقصیر را به عمدی و بی‌احتیاطی تقسیم نموده است هم مؤید این نظر است. افزون بر آن، پیرو اتکای معقول صورت‌گرفته به زیان‌زننده، همانند حقوق انگلستان، امکان شناسایی یک رابطه خاص و موجد مسئولیت بر اساس ماده ۴: ۱۰۳ هم در دسترس قرار دارد.

۳.۱.۴. انتفاع زیان‌زننده از عمل زیان‌بار

ممکن است در نتیجه عمل زیان‌بار، افزون بر ورود زیان به شخص زیان‌دیده، برای زیان‌زننده هم منافی حاصل آید. برای مثال، ممکن است شخصی عمداً با هدف لطمه به شهرت تجارتي رقیب خود، اعتبار او را مخدوش و مشتریان را به سمت خرید محصول خود سوق دهد. در این صورت آیا زیان‌زننده صرفاً باید به خسارت وارد به اعتبار رقیب محکوم گردد؟ در چنین شرایطی، اگر ارزیابی قلمرو مسئولیت صرفاً بر مبنای خسارت وارده به زیان‌دیده انجام شود، زیان‌زننده می‌تواند بخشی از منافع حاصله را برای جبران خسارت به‌کار گیرد و در نتیجه، بدون تحمل هزینه‌ای واقعی، از منابع شخص دیگری منتفع گردد. در این صورت زیان‌زننده با پاسخ مناسبی در قبال عمل ارتكابی مواجه نخواهد شد. ممکن است گفته شود، صرف توجه به میزان خسارت وارده به زیان‌دیده برای ترسیم قلمرو مسئولیت مدنی عامل زیان کافی است و نمی‌توان زیان‌زننده را به بیشتر از خسارت وارده محکوم نمود. این مهم به‌طور مشخص در جایی که زیان‌زننده به صورت عمدی یا با تقصیر سنگین و با قصد تحصیل سود به انجام عمل زیان‌بار مبادرت می‌کند و در نتیجه آن، علاوه بر تحمیل ضرر به زیان‌دیده، منافی نیز برای خود کسب می‌نماید، قابل تأیید نیست (Sadeqi Moghaddam & Noury Youshanloey, 2013: 242-243). ضرورت توجه به بازدارندگی و پاسداشت هنجارهای اجتماعی ایجاب می‌کند در ترسیم قلمرو مسئولیت عامل زیان، این مهم مورد توجه قرار گیرد (Nelson; 1983: 377-394). در این موارد اگر بنا باشد برای تعیین میزان مسئولیت صرفاً به خسارت وارده به زیان‌دیده توجه گردد، نظر به منتفع شدن زیان‌زننده از انجام عمل زیان‌بار، ادامه این رفتار از سوی او و سایرین همچنان دارای مطلوبیت خواهد بود (Aghaei & Boroumand Bardeh, 2017: 148-151; Neematollahi & Seyed Ali Rouhateh, 2020: 35). بر همین اساس، ضروری است این امر در طراحی قلمرو مسئولیت مدنی مورد توجه قرار گیرد.

در حقوق انگلستان با توجه به اینکه بازدارندگی و حتی اعمال مجازات یکی از اهداف حقوق مسئولیت مدنی است (Markesinis & Deakin, 1999: 36; Harpwood, 2009: 13-14; Cooke, 2011: 12-13)، به روشنی در پرونده‌هایی مانند *دعوی روکس علیه برنارد*^۱، *دعوی مارتین علیه پورتر* (۱۸۳۹)^۲، و *دعوی کسل علیه بروم*^۳، سوءاستفاده صورت گرفته از سوی زیان‌زننده برای تحصیل سود، در تعیین قلمرو مسئولیت مورد توجه قرار گرفته و زیان‌زننده به خسارت تنبیهی^۴ محکوم گردیده است (McBride 585; Stephenson, 2009: 755; Green, 2017, 201; Bagshaw, 2018: 755); خسارتی که زیان‌زننده را با مسئولیتی ورای میزان خسارتی که به زیان‌دیده وارد نموده، مواجه خواهد ساخت. موضع حقوق ایران در این خصوص از شفافیت لازم برخوردار نیست و امکان توسل به خسارت تنبیهی تنها به صورت پراکنده در برخی از قوانین مورد شناسایی قرار گرفته است (Safai & Rahimi, 2011: 257; Mohagheghe Dammad et al, 2018: 179-180). به هر روی لازم است شرایط و قلمرو اعمال آن برای پرهیز از اشکالات قابل تصور (Taghizadeh et al, 2012: 93-108; Amini & Abek, 2015: 53-57)، به روشنی از سوی قانون‌گذار بیان گردد. در وضع موجود شاید بتوان منطق حاکم بر مواد ۳ و ۴ قانون مسئولیت مدنی را سازگار با در نظر گرفتن این عامل در ترسیم قلمرو مسئولیت مدنی دانست. همچنین در جای خود اثبات شده است که کارکرد نهاد تعزیر محدود به کیفر نیست و می‌تواند در مسئولیت مدنی (Daryaei & Karbalaee Aghazadeh, 2020: 107-115) از جمله چنین مواردی مورد استفاده قرار گیرد. با اینکه PETL در ماده ۱۰:۱۰۳ با پیروی از قاعده ممنوعیت دارا شدن ناعادلانه، در تعیین میزان خسارت زیان‌دیده به منافی که ممکن است در نتیجه عمل زیان‌بار نصیب او شود توجه دارد (European Group on Tort Law, 2005: 156)، اما در مورد منافی که علاوه بر میزان خسارت وارده به زیان‌دیده، نصیب زیان‌زننده می‌شود، حکم صریحی ارائه نکرده است. آیا در این موارد بر اساس PETL می‌توان به فراتر از میزان ضرر واقعی وارده به زیان‌دیده حکم داد؟ از ماده ۱۰:

1. Rookes v Barnard [1964] AC 1129
2. Martin v Porter (1839), 5 M & W 351, 151 ER 149
3. Cassell v Broome [1972] AC 1027
4. Punitive damage / exemplary damage

خسارت تنبیهی خسارتی است که افزون بر میزان خسارت وارد به زیان‌دیده و با هدف تنبیه زیان‌زننده، مورد حکم قرار می‌گیرد و به زیان‌دیده پرداخت می‌شود (Cooke, 2011: 539). به‌طور معمول در مواردی که عامل زیان رفتاری همراه با سوءنیت انجام می‌دهد، جبران خسارت جنبه تنبیهی به خود می‌گیرد. در حقوق انگلستان افزون بر جایی که زیان‌زننده از عمل زیان‌بار منتفع می‌گردد، در مواردی که کارکنان دولت اقدامی ظالمانه، مستبدانه و غیرقانونی انجام می‌دهند به خسارت تنبیهی حکم داده خواهد شد. امکان پیش‌بینی خسارت تنبیهی در قوانین موضوعه هم وجود دارد (McBride & Bagshaw, 2018: 762).

۱۰۱ عدم پذیرش این نتیجه قابل فهم است. در این ماده هدف و ماهیت پرداخت خسارت، بازگرداندن زیان دیده به وضعیت قبل از ورود خسارت در کنار پیشگیری از ورود خسارت عنوان شده است. بر این اساس، تنبیه یا مجازات زیان‌زننده از جمله اهداف شناخته نشده است، لذا محکوم کردن زیان‌زننده به میزانی بیش از خسارت واقعی وارد به زیان‌دیده، برخلاف این ماده به‌شمار می‌آید (European Group on Tort Law, 2005: 150-151).

۲.۴. اثرگذاری وضعیت زیان‌دیده

مطابق با هدف جبران خسارت، خسارت وارده به زیان‌دیده باید جبران شود. به همین منظور برای نمونه، در جایی که خسارت به مال شخص زیان‌دیده وارد می‌آید، برای قرار دادن او در وضعیتی مشابه یا نزدیک به وضعیت قبل از وقوع عمل زیان‌بار، در احتساب میزان مسئولیت اصولاً باید ارزشی را که آن مال برای شخص زیان‌دیده دارد در نظر گرفت؛ نه ارزشی که به صورت متعارف در بازار برای آن قائل هستند. درحقیقت معیار مالیت داشتن همین امر است (Shahmalekpour & Daryaei, 2021: 152-157). این مهم در ماده ۱۰: ۲۰۱ PETL هم مورد توجه قرار گرفته است. با این همه، این پرسش قابل طرح است که آیا وضعیت زیان‌دیده هم در قلمرو مسئولیت زیان‌زننده اثرگذار است؟ به‌طور مشخص، بیماری، جنسیت، حجر و... زیان‌دیده آیا تأثیری بر قلمرو مسئولیت می‌گذارد؟ بدیهی است این مهم متفاوت با جایی است که زیان‌دیده در ایراد خسارت وارد به خود یا توسعه میزان آن نقش دارد. هدف جبرانی پرداخت خسارت به‌عنوان هدف اصلی مسئولیت مدنی ایجاب می‌کند وضعیت‌های پیش‌گفته موجب کاهش قلمرو مسئولیت مدنی نشود؛ با این حال، بررسی برخی موارد ضروری است.

نخست، یکی از موارد مهم در این خصوص ناظر به جایی است که به‌واسطه بیماری یا وضعیت خاص زیان‌دیده که زیان‌زننده از آن ناآگاه است، خسارتی که در نتیجه عمل زیان‌بار به‌بار می‌آید بیشتر از حالتی است که در نتیجه فقدان آن وضعیت پدید می‌آید. برای مثال اگر نیمی از علت فوت زیان‌دیده سابقه ابتلای او به بیماری قلبی و نیمی به علت عمل ارتكابی از سوی زیان‌زننده باشد، آیا مسئولیت زیان‌زننده به همان نسبت کاهش خواهد یافت؟ ممکن است گفته شود، «اگر نبود»^۲ وضعیت خاص زیان‌دیده، فوت او اتفاق نمی‌افتاد؛ در نتیجه قلمرو مسئولیت در این موارد باید کاهش یابد. با وجود این، بر اساس پرونده‌هایی مانند دعوی رابینسون علیه/داره پست^۳ این امر موجهی برای کاهش مسئولیت در حقوق انگلستان نیست و زیان‌زننده باید کل خسارت‌های وارده را جبران کند. از این مهم با نام قاعده

۱. برای مطالعه انتقادی این ماده، ر.ک. Kadner Graziano, 2023, p. 23-41.

2. But for test

3. Robinson v Post Office [1974] 2 All ER 737

مجمعه نازک یا پوسته تخم مرغ^۱ یاد می‌شود. در این خصوص دلایلی مانند لزوم حمایت از تمامیت جسمانی، مورد توجه قرار گرفته است. به همین منظور شرط ضرورت پیش‌بینی پذیری زیان تا حد زیادی در این موارد تعدیل شده است (Harpwood, 2011: 182-183). در حقوق ایران، نویسندگان حقوقی این نتیجه را با تحلیل‌هایی از مواد ۵ و ۶ قانون مسئولیت مدنی مورد پذیرش قرار داده‌اند (Ghamami, 2009: 163-164). افزون بر آن از بند «پ» ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی و بند «الف» ماده ۲۹۱ این قانون همین معنا قابل استفاده است (Babaei, 2016: 97). همان‌طور که پیش‌تر بیان شد و با توجه به بند ۲ ماده ۲: ۱۰۲ PETL، تمامیت جسمانی از بالاترین حمایت برخوردار است و این مهم وفق بند «b» ماده ۳: ۲۰۱ این اصول، باید در تعیین قلمرو مسئولیت لحاظ شود. بر همین اساس، مسئولیت زیان‌زننده در این شرایط مورد پذیرش قرار می‌گیرد (European Group on Tort Law, 2005: 62).

دوم، نمونه قابل بیان دیگر در حقوق ایران ناظر به تفاوت میزان دیه حسب جنسیت و دین شخص زیان‌دیده است. مواد ۵۵۰، ۵۵۱ و ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی مطابق آموزه‌های فقهی این عوامل را در تعیین میزان دیه اثرگذار دانسته است. بر این بنیاد اگر آسیب بدنی به یک زن وارد آید در قیاس با جایی که همان آسیب به یک مرد وارد می‌آید، زیان‌زننده دارای مسئولیت کمتری است. با توجه به اینکه ماده ۴۵۲ این قانون، احکام و آثار ضمان و مسئولیت مدنی را بر دیه بار نموده است، مواردی از این دست را می‌توان مصداقی از اثرگذاری وضعیت زیان‌دیده در قلمرو مسئولیت دانست. یادآور می‌شویم تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری پرداخت دیه را موجب منتفی شدن امکان مطالبه خسارت معنوی می‌داند؛ بر این اساس، مواد قانونی یادشده در قانون مجازات اسلامی افزون بر مؤثر دانستن جنسیت در رابطه با خسارت بدنی، این عامل را در تعیین خسارت معنوی به نحو قابل انتقادی تأثیرگذار نموده است.^۲

به هر روی، تبصره ۱ ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی و رأی وحدت رویه شماره ۷۷ دیوان عالی کشور

1. The thin skull rule/ The eggshell skull rule

برای مطالعه، ر.ک. Safari & Safarian, 2017: 77-93.

۲. در پاره‌ای از موارد وضعیت خاص زیان‌دیده حتی باعث افزایش میزان مسئولیت زیان‌زننده می‌شود. برای نمونه، ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی برای درآوردن یا ازبین بردن چشم بینای کسی که فقط یک چشم دارد و چشم دیگرش به‌صورت مادرزادی به علل غیرجنایی از دست رفته باشد، دیه کامل مقرر داشته است و موضوع را از شمول قاعده یادشده در ماده ۵۶۳ این قانون و نصف دیه کامل خارج کرده است. همین نوع نگاه در ماده ۴۰۳ هم قابل مشاهده است (برای مطالعه حالت‌های مختلف در این خصوص، ر.ک. Khadem Sarbakhsh, 2010: 123-128; Shooshi, 2013: 137-148). Nasab & Mirshekari, 2013: 137-148. یادآور می‌شویم مطابق بند «b» ماده ۱۰: ۳۰۱ PETL، به‌عنوان یک قاعده عمومی، در ارزیابی چنین آسیب‌هایی، شدت آسیب وارده و همچنین پیامدهای آن از جمله متغیرهای تأثیرگذار در تعیین قلمرو مسئولیت هستند.

۳. برای مطالعه پیرامون تأثیر جنسیت در تعیین خسارت معنوی، ر.ک. Mirshekari & Abdi, 2023: 163-183.

با تحمیل تکلیف به پرداخت مابه‌التفاوت دیه به صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، تمهیدی برای خلأ یادشده اندیشیده‌اند.

۵. تأثیر ملاحظات مربوط به سیاست‌گذاری بر قلمرو مسئولیت

سیاست‌گذاری نظام حقوقی ممکن است افزون بر مبانی حقوقی صرف، ملاحظات دیگری را هم در ترسیم قلمرو مسئولیت لحاظ نماید. این ملاحظات می‌تواند متنوع باشد؛ در ادامه به دو مورد شاخص آن می‌پردازیم. مورد اول، ناظر به کاربست عدالت توزیعی^۱ در بحث جبران خسارت است و مورد دوم به چالش‌های نظام قضایی در حل و فصل دعاوی مسئولیت مدنی اختصاص دارد. علت بیان این موارد توجه نظام‌های حقوقی مورد مطالعه در این نوشتار به آنها در تعیین قلمرو مسئولیت است.

۵.۱. اثرگذاری عدالت توزیعی

این امکان وجود دارد که قانون‌گذار حسب ملاحظات توزیع خسارت را در نظر داشته باشد. در این صورت خسارت در جامعه میان اشخاص مختلف توزیع خواهد شد و جبران کامل خسارت وارده به زیان‌زننده تحمیل نخواهد شد. در مسیر شناسایی این موارد ممکن است عوامل مختلفی مد نظر قانون‌گذار قرار گیرد. به‌طور مشخص در مواردی که از یک سو، میزان خسارت وارده به نحوی است که تحمیل کامل آن به زیان‌زننده عسرت وی را در پی دارد و از سوی دیگر، عمل موجب خسارت یا زمینه‌ایراد خسارت به نحوی است که زیان‌زننده استحقاق حمایت را دارا است، منطق عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی عدم تحمیل کل مسئولیت به زیان‌زننده را به‌همراه خواهد داشت. در نتیجه این مهم، زیان‌زننده نسبت به بخشی از خسارتی که وارد نموده است، مسئول خواهد بود و بخشی دیگر بدون جبران باقی خواهد ماند و به بیان دیگر به زیان‌دیده تحمیل خواهد شد و از این طریق توزیع خسارت صورت می‌پذیرد. در ادامه مثال‌هایی بیان می‌شود.

نخست اینکه در نظام حقوقی ایران قانون‌گذار در مواردی از این منطق در ترسیم قلمرو مسئولیت زیان‌زننده بهره برده است. برای نمونه، مطابق بند ۲ ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی این امکان برای دادگاه وجود دارد که در صورت ضعیف بودن درجه تقصیر، اگر جبران کامل خسارت وارده را موجب تنگدستی زیان‌زننده یافت در میزان آن بازنگری نموده، آن را مورد تخفیف قرار دهد. در این بند افزون بر نحوه رفتار زیان‌زننده، وضعیت مالی او هم مورد توجه قرار گرفته است. این نتیجه ناشی از اعمال انصاف در تعیین قلمرو مسئولیت و توزیع خسارت میان اشخاص مختلف است. با این حال، معیار اعمال تخفیف

1. Distributive Justice

مشخص نیست و به هر ترتیب اعمال آن نباید به بی‌انصافی در حق زیان‌دیده منجر گردد. افزون بر توزیع خسارت میان زیان‌دیده و زیان‌زننده در مقررۀ یادشده، این مهم در سایر مواد قانون مسئولیت مدنی هم مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه، ماده ۷ این قانون ضمن شناسایی مسئولیت مدنی برای سرپرست و نگهدارنده مجنون و صغیر در صورت ارتکاب تقصیر در نگهداری، در خصوص قلمرو مسئولیت به استطاعت مالی این اشخاص هم توجه نموده است (Katouzian, 2006: 697-698; Badini, 2006: 524-526; Mirshekari, 2022: 413-416). در نتیجۀ این ترتیبات، بخشی از خسارت متوجۀ زیان‌زننده و بخشی متوجۀ خود زیان‌دیده می‌شود و به این ترتیب بر تعیین قلمرو مسئولیت زیان‌زننده اثر می‌گذارد. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد در PETL به‌روشنی هدف اصلی جبران خسارت، بازگرداندن زیان‌دیده به وضعیت قبل از وقوع حادثه است. به همین منظور، اصل بر اعمال عدالت اصلاحی^۱ است؛ با وجود این، اعمال عدالت توزیعی به‌عنوان استثنا در ماده ۱۰: ۴۰۱ مورد توجه قرار گرفته و ممکن است به کاهش مسئولیت زیان‌زننده منجر گردد. برای اعمال این مهم، ملائت زیان‌زننده، مبنای مسئولیت، قلمرو منافع مورد حمایت در کنار میزان خسارت وارده در نظر گرفته خواهد شد (European Group on Tort Law, 2005: 179-181). در حقوق انگلستان شاهد نقش انصاف و عدالت در مسئولیت مدنی هستیم. مطالعه این نظام حقوقی حکایت از آن دارد که جایگاه دقیق بحث انصاف در حقوق انگلستان ذیل مفهوم تکلیف به مراقبت است (McBride & Bagshaw, 2018: 90) و الزاماً تحمیل تکلیف به مراقبت باید منصفانه، عادلانه و معقول به‌شمار آید (Elliott & Quinn, 2017: 21). به این ترتیب، ملاحظات مربوط به انصاف در تحقق تکلیف به مراقبت که زیربنای مسئولیت مدنی از باب بی‌احتیاطی است، مورد توجه قرار می‌گیرد. بر این اساس، ممکن است مانند دعاوی مولکاهی علیه وزارت دفاع^۲ با وجود جمع سایر عوامل، دادگاه تحمیل تکلیف به مراقبت را منصفانه، عادلانه و معقول نداند و جبران خسارت را نپذیرد. در این دعوا، در ایام جنگ به‌واسطه بی‌احتیاطی یا اشتباه محاسباتی، از سوی نیروهای خودی به خواهان آسیب وارد شد. علی‌رغم محقق شدن معیارهای قابلیت پیش‌بینی و رابطۀ نزدیک، دادگاه زمانی که کشور در حال جنگ با دشمن است، تحمیل تکلیف به مراقبت را منصفانه، عادلانه و معقول ندانسته است (Green, 2017: 18).

دوم، نمونه مهم دیگر در این خصوص ناظر به پیش‌بینی سقف برای مسئولیت مدنی مسبب حادثه در حوادث رانندگی است. همان‌طور که بیان شد، مطابق تبصره ۳ ماده ۸ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵، با یک محدودیت مهم برای

1. Corrective Justice

2. Mulcahy v Ministry of Defence [1996] 2 WLR 474

قلمرو مسئولیت مدنی زیان‌زننده مواجه هستیم. در این موارد توزیع خسارت رخ خواهد داد و کل خسارت وارده به زیان‌زننده تحمیل نمی‌شود و بخشی متوجه زیان‌دیده خواهد ماند. قلمرو خسارت وارده، ملائت زیان‌دیده و امکان اجتناب او از تحمل خسارت با توجه به قابل پیش‌بینی بودن این زیان برای او در کنار امکان تهیه پوشش بیمه بدنه، قانون‌گذار را بر آن داشت از این طریق به توزیع خسارت بپردازد (Babaei, 2017: 252-256). به بیان دیگر در اینجا به بازدارندگی اقتصادی در مسئولیت مدنی توجه شده است؛ به این معنا که با تحمیل مسئولیت بر افرادی که می‌توانند با کمترین هزینه از خطر جلوگیری کنند، از ضرر غیراقتصادی پیشگیری می‌شود (Badini, 2004: 93).^۱ با وجود قابل انتقاد بودن معیار تمییز اتومبیل نامتعارف در تبصره ۴ این ماده، اقدام قانون‌گذار در توجه به منطقی متفاوت با مبانی سنتی مرسوم را باید به فال نیک گرفت.^۲ یادآور می‌شویم در حقوق انگلستان و PETL این مصداق پیش‌بینی نشده است.

۵.۲. اثر گذاری محدودیت‌های نظام قضایی

یکی از موضوعاتی که با ترسیم قلمرو مسئولیت پیوند وثیقی دارد، پاسخ به این پرسش است که آیا نظام قضایی توان حل‌وفصل همه دعاوی در خصوص مسئولیت مدنی را دارد؟ به صورت مشخص اگر بنا باشد برای مطالبه هر خسارتی اقامه دعا صورت پذیرد، سیلی از دعاوی جریان خواهد یافت که حل‌وفصل آن از عهده نظام قضایی خارج است و درنهایت اتلاف منابع را در پی خواهد داشت. این استدلال در نوشته‌های حقوقی به «سیل‌بند»^۳ موسوم است. همچنین موجب می‌شود امکان رسیدگی به آن دسته از مواردی که رسیدگی قضایی به آن از ضرورت بیشتری برخوردار است هم با چالش‌های جدی مواجه گردد. بر همین مبنا، بند ۱ ماده ۲: ۱۰۲ PETL، منافع مورد حمایت را رتبه‌بندی نموده است (Bussani, 2009: 37-38). در حقوق انگلستان این موضوع از دیرباز به عنوان یکی از عوامل مهم برای سیاست‌گذاری در خصوص قلمرو مسئولیت مدنی به‌شمار آمده و رویه قضایی در پرونده‌های متعدد بر پایه این منطق، با توسعه قلمرو مسئولیت مخالف ورزیده است (Harpwood, 2011: 31). این

۱. برای ملاحظه تلاش برخی از پژوهشگران در شناسایی مبنای فقهی برای این تحدید مسئولیت، ر.ک. Ghanavati & Alaei, 2019: 283-306.

۲. شایان ذکر است در کنار امکان توزیع ضرر بر پایه حقوق مسئولیت مدنی، بیمه هم می‌تواند منجر به توزیع ضرر گردد و اساساً نقش بیمه در توسعه قلمرو مسئولیت هم بر پایه همین توزیع ضرر استوار است (Badini, 2004: 68-69). اشخاص مختلفی که در معرض خطر مشابه هستند با پرداخت حق بیمه، این امکان را فراهم می‌آورند تا به‌جای پرداخت خسارت از سوی زیان‌زننده که چه‌بسا در توان او نیز نباشد، بیمه‌گر در نتیجه مشارکت عمومی و همبستگی اجتماعی جبران خسارت نماید. افزون بر آن، وجود پوشش بیمه‌ای نیز می‌تواند زمینه‌ساز برخورد منعطف‌تر با توسعه قلمرو مسئولیت گردد.

3. Floodgates

نگرانی اصولاً به‌ویژه در خصوص جبران‌پذیری آسیب روانی (Cooke, 2011: 72; Green, 2017: 58; McBride & Bagshaw, 2018: 123) و خسارت صرفاً اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد (Bussani, 1996: 45; Cane, 1999: 89; Markesinis & Deakin, 2009: 25; Palmer, 2009: 25). مطالعه حقوق مسئولیت مدنی انگلستان حکایت از این دارد که دلیل اصلی مخالفت با جبران‌پذیری این خسارات، همین ترس از جاری شدن سیلی از دعاوی است. در حقوق ایران این ملاحظه به‌طور مشخص مورد تصریح قرار نگرفته و مطالعه مصادیق چالش‌برانگیز مانند خسارت عدم‌النفع، حکایت از آن دارد که دلایل مخالفت با جبران این موارد، معطوف به عوامل دیگری است؛ نه نگرانی از جاری شدن سیلی از دعاوی. در همین مثال، خسارت عدم‌النفع، عدم شمول ادله موجبات ضمان قهری مانع اصلی در جبران‌پذیری آن است. در تلقی سنتی، شمول قاعده اتلاف محدود به تلف «مال» است و مال هم آن‌گونه که در ماده ۳۲۸ قانون مدنی بیان شده، محدود به عین و منفعت است؛ حتی قانون مسئولیت مدنی هم با وجود توسعه قلمرو خسارت قابل جبران، از قابل جبران بودن خسارت عدم‌النفع سخنی به‌میان نیاورده است.^۱

۶. نتیجه

۱- ترسیم قلمرو مسئولیت زیان‌زننده در گرو توجه به عوامل مختلفی است و صرف توجه به میزان خسارت وارده به زیان‌دیده نمی‌تواند راهگشا و هماهنگ با اهداف حقوق مسئولیت مدنی باشد. از جمله مهم‌ترین وظایف و اهداف حقوق مسئولیت مدنی در کنار جبران خسارت، تنظیم رفتار افراد است. این مهم ایجاب می‌کند با شناسایی منطق و قواعد حاکم بر حقوق مسئولیت مدنی در تشخیص آن اقدام نماییم. با وجود تنوع عوامل تأثیرگذار در این خصوص، در پرتو مطالعه تطبیقی می‌توان در قالب یک دسته‌بندی نظام‌مند این عوامل را معرفی نمود. بدون تردید تنقیح این عوامل صرف نظر از اثرگذاری آن در طراحی قواعد جدید از سوی قانون‌گذار، یاری‌رسان رویه قضایی هم خواهد بود. به همین منظور در این نوشتار بر بنیاد مطالعه تطبیقی، چهار دسته از عوامل شناسایی گردید؛ گرچه این دسته‌بندی حصری نیست و با هدف طرح قاعده‌مند مباحث بر پایه مبانی حقوق مدنی ارائه شده است.

۲- در دسته اول، باید از مبنای مسئولیت مدنی یاد کرد. به‌نظر می‌رسد می‌توان این ادعا را مطرح کرد که اصولاً در مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر برخلاف مسئولیت مدنی بدون تقصیر، امکان توسعه

۱. برای مطالعه برخی از راهکارها در برطرف کردن اشکال در وضع موجود، ر.ک. Mirshekari, 2022: 50-52. با وجود این، از نظر تحلیلی - همان‌طور که بیان شد - لحاظ متغیرهای مختلف در ترسیم قلمرو مسئولیت در این خصوص ضروری است و به‌صورت مطلق نمی‌توان قابل جبران بودن آن را مورد پذیرش قرار داد. برای مطالعه موضوع از منظر تحلیل اقتصادی حقوق، ر.ک. Amini & Daryaei, 2019: 169-192.

قلمرو مسئولیت هموارتر است. درحقیقت بازدارندگی به‌عنوان یکی از اهداف حقوق مسئولیت مدنی ایجاب می‌کند میان قلمرو مسئولیت مقصر و غیرمقصر تفاوت وجود داشته باشد. جایگاه بی‌احتیاطی در میان موجبات مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان و قلمرو خسارت قابل جبران بر اساس آن، توسعه قلمرو خسارت قابل جبران در قانون مسئولیت مدنی ایران که مبنای تقصیر را مورد پذیرش قرار داده است در قیاس با قانون مدنی و همچنین بند «C» ماده ۳: ۲۰۱ PETL گویای توجه به این امر است. در دسته دوم، به نقش نوع خسارت و خصایص آن پرداخته‌ایم. این تحقیق نشان داده است که نمی‌توان بر جمیع انواع خسارات، قاعده یکسانی اعمال نمود. خسارت‌های بدنی، معنوی و اقتصادی هریک اقتضائات خاصی دارند که نباید نادیده گرفته شود. بر همین اساس، ماده ۲: ۱۰۲ PETL دست به رتبه‌بندی منافع زده و مطابق مواد مختلف این اصول، حسب نوع خسارت، قواعد مختلفی بیان شده است. رویه قضایی انگلستان هم به‌روشنی قلمرو مسئولیت را ازجمله با توجه به نوع خسارت وارده تعیین می‌کند و از اعمال قاعده یکسان در این خصوص پرهیز می‌نماید. در حقوق ایران هم باید اذعان داشت با وجود توسعه قلمرو مسئولیت در قانون مسئولیت مدنی، نمی‌توان قلمرو مسئولیت را بدون درنظر گرفتن اقتضائات هر زمینه تعیین نمود. دسته سوم ناظر به تأثیر وضعیت زیان‌زننده و زیان‌دیده در تعیین قلمرو مسئولیت است. برای نمونه، پژوهش حاضر نشان داده است بر جملگی زیان‌زنندگان قاعده یکسانی قابل اعمال نیست و عواملی نظیر وضعیت روانی زیان‌زننده و به‌طور مشخص عمد او در تحمیل زیان، میزان تخصص او و اعتمادی که بر پایه آن شکل گرفته در کنار نفعی که ممکن است در نتیجه عمل زیان‌بار عاید او گردد در تعیین میزان مسئولیت اثرگذار است. این نتایج بر بنیاد منابع مورد تطبیق هم تا حد زیادی قابل تأیید است. برای مثال، بارها رویه قضایی در انگلستان آشکارا به عوامل پیش‌گفته توجه نموده و از مواد مختلف PETL مانند بند ۵ ماده ۲: ۱۰۲ هم این مهم قابل فهم است. در حقوق ایران با وجود نارسایی موجود در قوانین، توجه به این عوامل بر پایه تحلیل حقوقی ضروری است. در نهایت، از ملاحظات مربوط به سیاست‌گذاری نظام حقوقی نباید غافل شد. پاره‌ای از عوامل اخلاقی و انصافی اقتضای آن را دارد حسب مصالح و با رعایت شرایطی، قانون‌گذار اعمال عدالت توزیعی را بر عدالت اصلاحی غالب نماید و تنها جبران بخشی از خسارت را متوجه زیان‌زننده کند. همچنین سیاست اداره نظام قضایی و جلوگیری از امکان طرح دعاوی بی‌شمار ممکن است در پاره‌ای از موارد عدم شناسایی مسئولیت مدنی زیان‌زننده را به‌همراه داشته باشد. در حقوق انگلستان برای ترسیم قلمرو تکلیف مراقبت به‌عنوان یکی از ارکان لازم برای تحقق بی‌احتیاطی به این ملاحظات توجه می‌شود. PETL هم در موادی مانند ماده ۱۰: ۴۰۱ به‌روشنی این ملاحظات را در تعیین قلمرو مسئولیت به‌کار گرفته است. همچنین در برخی از مواد قانون مسئولیت مدنی ایران نیز این موضوع قابل مشاهده است.

۳- تحقیق حاضر آشکار نمود که صرف توجه و ارزیابی میزان خسارت وارده به زیان‌دیده، راهگشا و هماهنگ با ساختار حقوق مسئولیت مدنی نیست و نمی‌توان قاعده واحدی را در جملگی موارد اعمال نمود. در طراحی قلمرو مسئولیت مدنی باید عوامل متنوعی را در نظر گرفت. در حقوق انگلستان و ایران شاهد قاعده‌ای روشن در این خصوص نیستیم و با مصادیقی به صورت پراکنده مواجه‌ایم. شایسته است در قانون مسئولیت مدنی همانند ماده ۳: ۲۰۱ PETL، یک ماده قانونی به این موضوع اختصاص یابد. با توجه به اینکه حقیقت ضمان قهری و مسئولیت مدنی چیزی به غیر از اعتبار عقلایی نیست، شناسایی ترتیبات جدید منافاتی با حقوق اسلامی هم نخواهد داشت. به این منظور تصویب عبارت زیر پیشنهاد می‌شود:

«دادگاه باید در تعیین قلمرو مسئولیت مدنی عامل زیان به عواملی مانند مبنای مسئولیت مدنی، نوع خسارت وارده، درجه تقصیر زیان‌زننده، میزان تخصص او، انتفاع او از عمل زیان‌بار، توانایی مالی او و گستره و اهمیت خسارت وارده توجه نماید».

1. References

2. Aghaei, Kamran & Boroumand Bardeh, Navid (2017). "Legal and Economic Analysis of Punitive Damages", *Encyclopedia of Economic Law Jurnal*, 24(11), 132–159. DOI: <https://doi.org/10.22067/le.v24i11.63012> (In Persian).
3. Al-Sharif, Mohammad Mehdi & Saeidi, Somayyeh (2013). "Criticizing the Idea of Decreasing Compensation Based on Financial Status of the Person Causing the Loss in Tort Law", *Private Law*, 10(1), 5–32. DOI: 10.22059/jolt.2013.50479 (In Persian).
4. Amini, Azam & Abek, Sediqhe (2015). "Study of the optimal deterrence and the gain elimination theories on punitive damages in tort cases (emphasizing on the United States Jurisprudence)", *Encyclopedia of Economic Law Jurnal*, 21(6), 77–113. DOI: <https://doi.org/10.22067/le.v21i6.46545> (In Persian).
5. Amini, Mansour & Daryaei, Reza (2019). "An Economic Analysis of Pure Economic Loss", *Legal Research Quarterly*, 22(86), 169–192. DOI: 10.29252/lawresearch.22.86.169 (In Persian).
6. Babaei, Iraj (2016). *Tort Law*, Tehran: Mizan Publications, First Edition (In Persian).
7. Babaei, Iraj (2017). *Insurance Law*, Tehran: Samt, Fourteenth Edition (In Persian).
8. Babaei, Iraj (2023). "Tort Law in Iran: Tort or Torts", *Private Law Research*, 12(44), 97–130. DOI: <https://doi.org/10.22054/jplr.2023.50777.2372> (In Persian).
9. Babai, Iraj (2005). "A Critique of the Principle of Recoverability of All Damages in Iranian Civil Liability Law", *Legal and Political Research*, 7(15–16), 45–83. https://qjpl.atu.ac.ir/article_2918.html (In Persian).
10. Badini, Hassan (2004). "The Purpose of Civil Liability", *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, 66, 55–113. https://jflps.ut.ac.ir/article_11227.html (In Persian).
11. Badini, Hassan (2006). *Philosophy of Tort Law*. Tehran: Enteshar Publication, First Edition (In Persian).
12. Badini, Hassan (2012). "Comparative Study of Reparability of Economic Loss In Tort Law", *Private Law Studies Quarterly*, 41(1), 59–78. https://jlq.ut.ac.ir/article_29582.html (In Persian).
13. Bussani, M., & Palmer, V. V. (2009). Seeing Red: The present study. In *Pure Economic*

- Loss in Europe New Horizons in Comparative Law*. edited by Bussani, M., & Palmer, V. V. Abingdon: Routledge-Cavendish. 7–67
14. Cane, P. (1996). *Tort Law and Economic Interest*, London: Clarendon Press Publication.
 15. Cooke, J. (2011). *Law of Tort*. London: Pearson Education Limited.
 16. Daryaei, Reza & Karbalaee Aghazadeh, Mostafa (2020). "A deliberation about the relationship between tort law and Non-contractual indebtedness in Iranian law", *Journal Legal Studies*, 12(3), 93–125. DOI: 10.22099/jls.2020.32934.3353 (In Persian).
 17. Elliott, C., & Quinn, F. (2017). *Tort Law*. London: Pearson Education Limited.
 18. European Group on Tort Law. (2005). *Principles of European Tort Law Text and Commentary*. Austria: Springer Wien New York.
 19. Finch, E., & Fafinski, S. (2011). *Tort Law*. London: Pearson Education Limited.
 20. Ghamami, Majid (2009). *Foreseeability of Damage in Civil Liability*, Tehran: Nashr-e Sahami Company, Second Edition (In Persian).
 21. Ghanavati, Jalil & Alaei, Saber (2019). "The basis for the limitation of liability for financial losses from driving accidents (Paragraph 3 of articles 8 of the Third Compulsory Insurance Act of 1395)", *Journal of Studies in Islamic Law and Jurisprudence*, 10(19), 283–306. DOI: 10.22075/feqh.2018.13273.1347 (In Persian).
 22. Gholamloo, Jamshid & Daryaei, Reza (2022). "Defamation Crimes: From Criminalization to Decriminalization and Civil Law Model", *Criminal Law Doctrines*, 19(23), 203–240. DOI: 10.30513/cld.2023.4836.1779 (In Persian).
 23. Giliker, P. (2017). *Tort*. London: Sweet & Maxwell.
 24. Green, B. (2017). *Tort Law*. New York: Routledge.
 25. Harpwood, V. (2011). *Modern Tort Law*. New York: Routledge-Cavendish.
 26. Hedley, S. & Padfield, N. (2011). *Tort*. Oxford: Oxford University Press.
 27. Hekmatniya, Mahmoud (2007). *The Civil Responsibility in the Imamiyah Jurisprudence*, Qom: Research Center for Law and Islamic Jurisprudence, First Edition (In Persian).
 28. Kadner Graziano, Thomas (2023). "The Purposes of Tort Law", *Journal of European Tort Law*. 14 (1), 23–41. DOI: <https://doi.org/10.1515/jetl-2023-0003>
 29. Katouzian, Nasser (2006). *Extra-Contractual Obligations*, Vol. 1, Tehran: University of Tehran, Fifth Edition (In Persian).
 30. Katouzian, Nasser & Izanloo, Mohsen (2018). *Extra-Contractual Obligations*, Vol. 3, Tehran: Ganj Danesh Publications, First Edition (In Persian).
 31. Khadem Sarbakhsh, Mehdi (2010). "The Effect of the Injured Party's Condition on The Agent's Responsibility", *The Judiciarys Law Journal*, 74(70), 111–131. DOI: <https://doi.org/10.22106/jlj.2010.11177> (In Persian).
 32. Law Commission (1995). *Liability for Psychiatric Illness* (Consultation Paper No 137)
 33. Markesinis, B. S., & Deakin, S. (1999). *Tort Law*. Oxford: Oxford University Press.
 34. McBride, N. J. & Bagshaw, R. (2018). *Tort Law*. London: Pearson Education Limited.
 35. Mirshekari, Abbas (2022). *A Practical Thesis on Civil Liability*, Tehran: Enteshar Publication, Fourth Edition (In Persian).
 36. Mirshekari, Abbas & Abdi, Mona (2023). "The Role of Gender in Moral Damages", *Private Law Quarterly*, 53(1), 163–183. DOI: 10.22059/jlq.2022.337784.1007641 (In Persian).
 37. Mirshekari, Abbas; Takhshid, Zahra & Abdi, Mona (2024). "Comparative Study of Tortfeasor, s Civil Liability to Bystander in the U.S Legal system and Bringing it up in Iranian Legal System", *Comparative Law Research Quarterly*, 8(1), 175–195. DOI:

- 10.22080/lps.2023.25403.1508 (In Persian).
38. Mohagheghe Dammad, Mostafa; Shahbazinia, Morteza & Rezaei nejad, Homayoon (2018). "Punitive Damages in Contractual Liability", *Private Law Quarterly*, 47(1), 173–191. DOI: 10.22059/jlq.2018.231252.1006878 (In Persian).
39. Neematollahi, Esmail (2021). "A Comparative Study of the Purpose of Awarding Damages for Breach of Contract", *Comparative Law Review*, 12(1), 369–396. DOI: 10.22059/jcl.2020.306369.634042 (In Persian).
40. Neematollahi, Esmail & Seyed Ali Rouhteh, Maryam Sadat (2020). "A Study of Disgorgement of Profit in Civil Liability in Common Law and Iranian Law", *Private Law*, 17(1), 31–55. DOI: 10.22059/jolt.2020.299525.1006832 (In Persian).
41. Nelson, P. N. (1983). "Punishment for Profit: An Examination of the Punitive Damage Award in Strict Liability". The Forum (American Bar Association. Section of Insurance, Negligence and Compensation Law), vol. 18. No. 3. pp. 377-394.
42. Quinn, F. (2012). *Tort Law*. Harlow: Pearson Education Limited.
43. Sadeqi Moghaddam, Hossein & Noury Youshanloey, Jafar (2013). "Evolution of Civil Liability in French and Iranian Law With Emphasis on Recognition of Non Compensatory Damages", *Law Quarterly*, 41(4), 239–256. https://jlq.ut.ac.ir/article_29770.html (In Persian).
44. Safaei Moafi, Seyyed Hussein; Imanpour, Akbar & Daryaei, Reza (2022). "Criteria for claiming compensation for secondary psychiatric victims in English law and its application in Iranian law", *Comparative Law Review*, 13(1), 257–278. DOI: 10.22059/jcl.2022.334558.634278 (In Persian).
45. Safaei Moafi, Seyyed Hussein; Imanpour, Akbar & Daryaei, Reza (2023). "Identification of compensable psychiatric injuries in English and Iranian law.", *Journal of Comparative Law*, 10(1), 267–293. DOI: <https://doi.org/10.22096/law.2022.546135.1994> (In Persian).
46. Safai, Seyyed Hossein (1996). *Articles on Civil Law and Comparative Law*, Tehran: Mizan Publications, First Edition (In Persian).
47. Safai, Seyyed Hossein; Rahimi, Habibollah (2011). *Civil Liability*, Tehran: Samt Publications, Twelfth Edition (In Persian).
48. Safari, Mohsen & Safarian, Mehdi (2017). "The Rule of Egg Shell Skull in England and Iran", *Private Law*, 14(1), 77–93. DOI: 10.22059/jolt.2017.129574.1006009 (In Persian).
49. Shahmalekpour, Hassan & Daryaei, Reza (2021). "A Critical Study about the Worthiness of the Object of Contract from the Viewpoint of Jurisprudence of Islamic Denominations", *Fighe Mogaran*, 8(16), 149–175. https://fiqhemogaran.mazaheb.ac.ir/article_138427.html?lang=fa (In Persian).
50. Shooshi Nasab, Nafiseh & Mirshekari, Abbas (2013). "The Impact of Victim's Predisposition on Civil Liability of Tortfeasor", *The Judiciarys Law Journal*, 77(84), 124–152. DOI: <https://doi.org/10.22106/jlj.2013.10815> (In Persian).
51. Stephenson, G. (2009). *Source Book on Torts*. London: Cavendish Publishing Limited.
52. Taqizadeh, Ebrahim; Khosravi Farsani, Ali & Mousaipoor, Meysam (2012). "The Nature and Effects of 'Punitive Damages' in Common Law (A Comparative Study)", *Civil Law Knowledge*, 1(1), 49–60. https://clk.journals.pnu.ac.ir/article_186.html?lang=fa (In Persian).
53. Van Dam, C. (2013). *European Tort Law*. England: Oxford University Press.
54. Yazdani, Alireza (2007). *General Rules of Civil Liability*, Vol. 1, Tehran: Mizan Publications, First Edition (In Persian).